



The Study of Social Factors' Role in Phonological and Lexical Variations in Hawrami (Paveh Dialect) based on Variationist Sociolinguistics

Nadya Safiee¹, Ebrahim Badakhshan², Masoud Dehghan³, Akram Korani⁴

1. Ph.D. Student of Linguistics, Department of English Language and Linguistics, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. E-mail: ayla_safiee@yahoo.com
2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of English and Linguistics, Faculty of Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: ebadakhshan@uok.ac.ir
3. Associate Professor, Department of English and Linguistics, Faculty of Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: m.dehghan@uok.ac.ir
4. Assistant Professor of Linguistics, Department of English Language and Linguistics, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. E-mail: korani222@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 24 August 2021

Received in revised form:

20 December 2021

Accepted: 21 December 2021

Available online: 22 December 2022

Keywords:

Variationist sociolinguistics, Hawrami, paveh dialect, phonological variations, lexical variations.

This paper offers a study of phonological and lexical variations in Hawrami (paveh dialect) based on Variationist Sociolinguistics. In this paper the influence of two non-linguistic factors (age and gender) on one phonological variation (use of allophone]d[instead of]d[in final position) and two lexical variations (use of a compound noun instead of the words /baww/ and /dada/ meaning “grandpa” and “grandma”, respectively and the use of the word /warataw/ instead of /war/) in a group of 60 people (30 men and 30 women) from 4 age groups were studied. Data gathered from main group compared with data gathered from standard group which consists of illiterate men and women who were older than 60 and finally, one phonological variation and two lexical variations that have the most differences among standard and main group were chosen. The results indicated that there is no meaningful relationship between age, gender and phonological variation. In lexical variations women use combined address term (/ada/ + first name) for addressing their grandmas more than men. There is a meaningful relationship between age and the use of combined address terms, too. There is a meaningful relationship between gender and using /warataw/ instead of /war/.

Cite this article: Safieei, N., Badakhshan, E., Dehghan, M. & Korani, A. (2022). The study of social factors' role in phonological and lexical variations in Hawrami (Paveh Dialect) based on variationist sociolinguistics. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 10 (4), 21-38.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2021.6858.1578



نقش عوامل اجتماعی در تنوعات واجی و واژگانی در زبان هورامی (گویش پاوه)

براساس زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا

نادیا صفیعی^۱، ابراهیم بدخشان^۲، مسعود دهقان^۳، اکرم کرانی^۴

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی گروه آموزش زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

رایانامه: ayla_safiee@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه:

ebadakshsh@uok.ac.ir

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه:

m.dehghan@uok.ac.ir

۴. استادیار گروه آموزش زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. رایانامه:

korani222@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

این مقاله تنوعات واجی و واژگانی در زبان هورامی (گویش پاوه) را براساس زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا بررسی می‌نماید. در این پژوهش، تأثیر دو متغیر جنسیت و سن بر یک تنوع واجی (استفاده از واجگونه [d] به‌جای واجگونه [d]) در جایگاه پایانی کلمه) و دو تنوع واژگانی (استفاده از ساخت ترکیبی به‌جای واژه‌های /bawa/ و /dada/ و استفاده از واژه /warataw/ به‌جای واژه /war/) در یک گروه ۶۰ نفره (۳۰ مرد و ۳۰ زن) در چهار رده سنی بررسی گردید. روش اجرا بدین صورت بود که داده‌های گردآوری‌شده از طریق مصاحبه با گروه اصلی، با داده‌های گردآوری‌شده از گروه معیار که شامل تعدادی از زنان و مردان بی‌سواد بالای ۶۰ سال بود، مقایسه گردید. در نهایت، یک تنوع واجی و دو تنوع واژگانی که دارای بیشترین میزان تفاوت در بین گروه معیار و گروه اصلی بودند برای بررسی انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که متغیرهای سن و جنسیت با تنوع واجی مورد بررسی، ارتباط معناداری ندارند. در تنوع واژگانی، زنان بیشتر از مردان برای خطاب‌کردن مادر بزرگ‌هایشان از ساخت ترکیبی (/ada/ + نام کوچک) استفاده می‌کنند. بین سن و میزان استفاده از ساخت ترکیبی نیز رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، بین میزان استفاده از واژه /warataw/ و جنسیت رابطه معناداری وجود دارد.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲ شهریور ۱۴۰۰

تاریخ بازنگری: ۲۹ آذر ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۳۰ آذر ۱۴۰۰

دسترسی آنلاین: ۱ دی ۱۴۰۱

واژه‌های کلیدی:

زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا،

زبان هورامی،

گویش پاوه،

متغیرهای واجی،

متغیرهای واژگانی.

استاد: صفیعی، نادیا؛ بدخشان، ابراهیم؛ دهقان، مسعود؛ کرانی، اکرم (۱۴۰۱). نقش عوامل اجتماعی در تنوعات واجی و واژگانی در زبان

هورامی (گویش پاوه) براساس زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۱۰ (۴)، ۳۸-۲۱.

© نویسندگان.



ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2021.6858.1578

۱- مقدمه

زبان به عنوان پدیده‌ای پویا همواره در گذر زمان در ابعاد جغرافیایی و اجتماعی دستخوش تحول شده است. این تغییرات نیز به نوبه خود گونه‌های متنوع جغرافیایی و اجتماعی را پدید آورده‌اند. وارداف^۱ (۱۹۸۶) معتقد است که جنسیت، سن و طبقه اجتماعی از جمله مهم‌ترین متغیرهای اجتماعی هستند که گفتار سخنگویان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و موجب تغییرات زبانی می‌گردند. با وجود تأکیدهای فراوان روان‌شناسان و زبان‌شناسانی چون مید^۲ آمریکایی و میه^۳ فرانسوی بر ماهیت اجتماعی زبان، تا اواسط قرن بیستم این خصلت اصلی زبان مورد توجه زبان‌شناسان قرار نگرفت. از اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد بود که رابطه و همبستگی زبان و جامعه موضوع بررسی‌های دقیق و گسترده علمی قرار گرفت (مدرسی، ۱۹۷۸: ۱۳). براین اساس، جامعه‌شناسی زبان و زبان‌شناسی اجتماعی به عنوان پیشگامان بررسی این رابطه بین زبان و اجتماع توجه فراوانی را به خود جلب نمودند و پژوهش‌های علمی بسیاری در مورد زبان‌های مختلف در چهارچوب آن‌ها انجام گرفت.

پژوهش حاضر در شهر پاوه واقع در استان کرمانشاه انجام شده است. این شهر، مرکز شهرستان پاوه است که از شمال با شهرستان سروآباد در استان کردستان، از شرق با شهرستان کامیاران در استان کردستان، از جنوب شرقی با شهرستان روانسر، از جنوب با شهرستان جوانرود و از غرب با مرز عراق همسایه است. زبان مردم شهر پاوه هورامی است؛ اما علاوه بر زبان مادری، مردم این شهر به زبان‌های کردی سورانی و فارسی نیز تسلط دارند. این پژوهش ضمن به کارگیری رویکردهای جدید زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا، در کنار تحلیل کیفی به بررسی گوناگونی‌های واجی و واژگانی در گفتار گویشوران زبان هورامی (گویش پاوه)^۴ با توجه به متغیرهای اجتماعی سن و جنسیت می‌پردازد. هدف از این پژوهش، مشخص کردن میزان رابطه بین تنوعات اجتماعی (به عنوان یک مقوله بیرون زبانی) با میزان استفاده از تنوعات زبانی معین در هورامی پاوه است. از آنجاکه پیش از این، تنوعات زبانی در هورامی پاوه مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، برای ارائه توصیفی جامع از تنوعات زبانی، استفاده از ترکیبی از رویکردهای پژوهشی تنوع‌گرا و به کارگیری عوامل اجتماعی گسترده^۵ در کنار تنوعات فردی گویشوران ضروری است.

1. R. Wardhaugh

2. G. H. Mead

3. A. Meillet

۴. در ادامه این مقاله به منظور خلاصه‌گویی به جای زبان هورامی گویش پاوه از واژه «هورامی پاوه» و به جای گویشوران زبان

هورامی (گویش پاوه) از واژه «گویشوران هورامی» استفاده می‌شود.

5. Large-scale social factors

نوشتار پیش‌رو در پی پاسخ‌گویی به این سه پرسش است: آیا کاربرد دو واجگونه واج [d] در هورامی پاره متأثر از عوامل اجتماعی سن و جنسیت است؟ آیا کاربرد واژه‌های معیار /bawa/ و /dada/ و جایگزین‌های آن‌ها یعنی (اسم کوچک پدربزرگ/ مادربزرگ + /baba/ یا /ada/) تحت تأثیر عوامل اجتماعی سن و جنسیت است؟ و سرانجام آیا کاربرد واژه معیار /war/ و جایگزین آن یعنی /warataw/ از دو عامل اجتماعی سن و جنسیت تأثیر می‌پذیرد؟ در این پژوهش فرض بر این بود که کاربرد دو واجگونه واج [d] تحت تأثیر دو عامل سن و جنسیت قرار دارد؛ به طوری که با افزایش سن، استفاده از واجگونه [d] در پایان کلمات در بین مردان بیش از زنان باشد. همچنین، براساس فرض دوم این پژوهش، کاربرد واژه‌های معیار /bawa/ و /dada/ در گروه‌های سنی جوان‌تر و در میان زنان کمتر است. براساس فرض سوم نیز، انتظار می‌رود که زنان بیش از مردان و افراد مسن بیش از افراد کم‌سن و سال از واژه معیار /war/ استفاده نمایند.

در زبان هورامی پاره این موضوع بررسی نشده است؛ اما در ایران باتوجه به تنوعات زبانی پژوهش‌های زیادی به بررسی رابطه متقابل زبان و عوامل اجتماعی به ویژه در زبان فارسی پرداخته‌اند که در ادامه به بخشی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

مدرسی (۱۹۷۸) همبستگی میان درجات سنی و ویژگی‌های زبان فارسی را در سه گروه سنی ۱۰ تا ۱۹ سال، ۲۰ تا ۲۹ سال و گروه میان‌سالان مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که گروه‌های سنی بالاتر در گفتارشان از صورت‌های زبانی دارای اعتبار بیشتر استفاده می‌کنند. سمائی‌نیا (۱۳۸۴) هم رابطه بین متغیرهای اجتماعی تحصیلات، سن و جنسیت را با میزان استفاده از زبان فارسی معیار در بین گویشوران فارس زبان سبزوار بررسی نمود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که متغیر سطح تحصیلات، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در تمایز گفتار گویشوران است. عامل گروه سنی نیز به واسطه تعامل نوجوانان با گروه همسالان در اکثر موارد باعث ایجاد تفاوت در بین گفتار نوجوانان و بزرگ‌سالان گردیده است. یافته‌های این پژوهش در مورد متغیر جنسیت هم نشان داد که گفتار مردان متعلق به طبقات اجتماعی بالاتر نسبت به سایر گروه‌ها محافظه‌کارانه‌تر است.

همچنین، آهنگر و شاهسوار (۱۳۸۸) به بررسی تأثیر متغیرهای تحصیلات، جنسیت و سن بر کاربرد همخوان‌ها در گویش نهبندانی پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهند که جنسیت تأثیر چندانی بر کاربرد همخوان‌ها ندارد؛ اما تحصیلات به ویژه در تمایز گفتار گویشوران مسن باسواد و بی‌سواد نقش

مؤثری دارد. آهنگر و شاهسوار (۱۳۹۳) در پژوهشی دیگر به بررسی تأثیر متغیرهای اجتماعی بر متغیرهای زبانی فارسی نهندان شامل ساخت هجا و عناصر ساخت‌واژی و نحوی در میان سه گروه سنی ۷ تا ۱۲ سال، ۲۵ تا ۳۰ سال و افراد مسن بالای ۵۰ سال پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهند که جنسیت، عامل مهمی در ایجاد گوناگونی زبانی است؛ به طوری که در بیشتر موارد گفتار زنان به زبان معیار نزدیک‌تر است. همچنین، گفتار نوجوانان دارای والدین باسواد از گفتار نوجوانان دارای والدین بی‌سواد به فارسی معیار نزدیک‌تر است.

زندگی و دیگران (۱۳۹۴) نیز به بررسی متغیرهای سن، جنسیت، سطح تحصیلات و شغل بر کاربرد دو زبان فارسی و ترکی در سطح شهر اردبیل پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که جوانان نسبت به سالمندان، زنان نسبت به مردان، دارندگان تحصیلات بالا نسبت به دارندگان تحصیلات سطح پایین و شاغلین در حوزه‌های آموزشی و اداری نسبت به شاغلان سایر حوزه‌ها از زبان فارسی بیشتر از زبان ترکی استفاده می‌کنند. رضاپور (۱۳۹۶) هم تأثیر عوامل اجتماعی جنسیت، طبقه اجتماعی و تحصیلات بر بسامد تنوع نحوی در زبان فارسی در دو گفتمان محاوره‌ای روزمره و علمی را بررسی کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که در گفتمان روزمره، مردان بسیار بیشتر از زنان از قلب نحوی^۱، ساخت اسنادی^۲ و قیود تأکید^۳ استفاده می‌کنند؛ اما در گفتمان علمی، زنان بیشتر از مردان از ساخت اسنادی و قیدهای تأکید استفاده می‌کنند. همچنین، مشخص گردید که در گفتمان روزمره، طبقات بالای اجتماع از ساخت قلب نحوی بیشتر از طبقات متوسط و پایین استفاده می‌کنند؛ اما در کاربرد ساخت اسنادی و قیدهای تأکید در گفتار روزمره، طبقه پایین جامعه پیش‌تاز هستند. در گفتمان علمی، طبقه بالای جامعه در کاربرد قلب نحوی بسیار جلوتر از بقیه طبقات بودند. در گفتار روزمره هم افراد دارای تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد به میزان بیشتری از قلب نحوی نسبت به افراد دارای مدرک دیپلم و پایین‌تر استفاده می‌نمایند؛ در صورتی که افراد دارای مدرک دیپلم و کمتر، در گفتار روزمره خود بیشتر از دیگران از ساخت اسنادی استفاده می‌کنند. در گفتمان علمی نیز افراد دارای تحصیلات کارشناسی و بالاتر قلب نحوی را بیشتر از قیدهای تأکید و ساخت اسنادی به کار می‌برند.

پژوهشگران خارجی بسیاری نیز به بررسی تأثیر متغیرهای زبانی در ایجاد گوناگونی‌های زبانی

1. scrambling
2. predicative
3. intensifiers

پرداخته‌اند^۱ که به عنوان نمونه می‌توان به هرزوغ^۲ (۱۹۶۴)، لباو^۳ (۱۹۷۲)، فوکوشیما^۴ (۲۰۰۳)، بوبرگ^۵ (۲۰۰۴) و لباو، اش^۶ و بوبرگ (۲۰۰۶) اشاره نمود.

۲- زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا

اگرچه مطالعات زبان‌شناسی اجتماعی تنها چیزی حدود ۵۰ سال قدمت دارد، نظامی نسبتاً نو را در مطالعات زبانی پی افکنده است و با وجود تاریخچه کوتاهش، تحولات چشمگیری را تجربه نموده است (تالیامونته^۷، ۲۰۱۶). حاصل این مطالعات در دهه هفتاد میلادی به ظهور زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا منجر گردید که هدف اصلی آن بررسی حیات اجتماعی زبان و ساختار ذاتاً متغیر آن است (همان). به عبارت دیگر، بررسی تنوعات زبانی و یافتن ارتباط بین متغیرهای زبانی و متغیرهای اجتماعی در مرکز توجه زبان‌شناسی اجتماعی قرار دارد. حاصل پژوهش‌های اولیه لباو (۱۹۶۳، ۱۹۶۶، ۱۹۷۲) مجموعه‌ای از مطالعات ارزشمند بود که با هدف بررسی تأثیر عوامل اجتماعی مانند سن و طبقه اجتماعی بر نحوه تولید و استفاده از متغیرهای زبانی مانند تکواژها انجام گرفتند. اغلب پژوهش‌های اولیه انجام‌شده در این حوزه به بررسی جهت و میزان گسترش تأثیر متغیرهای زبانی بر متغیرهای اجتماعی مشخص مانند جنسیت و سن گویشوران متمرکز بود؛ اما پژوهش‌های جدیدتر مانند اکرت^۸ (۲۰۰۰) و شیلینگ - استس^۹ (۲۰۰۴) از این حوزه‌ها فراتر رفته و به بررسی متغیرهایی مانند فعالیت، نگرش و ایدئولوژی گویشوران به عنوان متغیرهای اصلی در توضیح تنوعات زبانی پرداخته‌اند.

زبان‌شناسی اجتماعی تنوع‌گرا مکرراً نشان داده است که تنوع در زبان معلول عوامل درون و برون زبان است (بایلی^{۱۰}، ۲۰۰۲). جنسیت، سن و تحصیلات از جمله مهم‌ترین متغیرهای اجتماعی هستند که گفتار گویشوران را تحت تأثیر قرار می‌دهند و موجب تغییرات زبانی می‌شوند (هادسن^{۱۱}، ۱۹۹۶). شاید بتوان یکی از بهترین توضیحات درمورد ضرورت بررسی تنوعات زبانی را به فیشمن^{۱۲} (۱۹۶۹، ۱۹۷۲)

۱. باتوجه به زیادبودن تعداد محققان خارجی که به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی سن و جنسیت پرداخته‌اند، در اینجا صرفاً به معرفی این پژوهش‌ها بسنده شده و از بیان توضیح و یافته‌های آنها صرف‌نظر شده است.

2. M. Herzog
3. W. Labov
4. S. Fukushima
5. Ch. Boberg
6. Sh. Ash
7. S. A. Tagliamonte
8. G. Eckert
9. N. Schilling-Estes
10. P. Bailey
11. R. A. Hudson
12. J. A. Fishman

نسبت داد که معتقد است کار این پژوهش‌ها تلاش برای یافتن پاسخ به این پرسش است که چه کسی با چه زبانی و تا چه سطحی برای چه کسی مطلبی را بیان می‌کند یا می‌نویسد. ولفارم^۱ (۲۰۰۶: ۳۳۳) نیز باور دارد که زبان‌ها دارای زیرساخت هستند و این زیرساخت برطبق متغیرهای زبانی بیرونی مانند سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، ملیت و غیره دچار تغییر می‌گردد. به عقیده او، تنوع در تمام بخش‌های زبان از آواها و علائم گرفته تا پردازش صوتی این نشانه‌های صوتی دیده می‌شود (همان: ۳۳۴).

۳- روش پژوهش

این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری داده‌های آن میدانی است. گردآوری داده‌ها طی دو مرحله و در قالب مصاحبه و ضبط گفتار آزاد انجام شد. در مرحله اول داده‌های زبانی راهنما به منظور تعیین متغیرهای زبانی گردآوری شدند. بدین منظور، گفتار تعدادی از افراد بی‌سواد دارای سن بالای ۶۰ سال ضبط و پیاده‌سازی گردید تا به عنوان زبان معیار مورد استفاده قرار گیرد، برای گردآوری این اطلاعات نگارنده خود شخصاً در محل اقامت گویشوران حاضر شد و با آنان مصاحبه نمود. در مرحله دوم، داده‌های زبانی اصلی از میان گویشوران دارای سن و جنسیت متفاوت با هدف مقایسه با داده‌های زبان معیار گردآوری شدند. نمونه‌های انتخاب شده تعداد ۶۰ گویشور از هر دو جنسیت با تحصیلات و شغل متفاوت بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری قضاوتی^۲ از میان افراد هورامی زبان اهل و ساکن شهر پاوه انتخاب شدند. دلیل استفاده از این روش نمونه‌گیری، وجود سایر گویش‌های هورامی در شهر پاوه به دلیل مهاجرپذیری منطقه و تمرکز این مقاله بر یکی از انواع این گویش‌ها (گویش پاوه) بوده است. افراد حاضر در پژوهش شامل ۳۰ زن و ۳۰ مرد بودند که در ۴ رده سنی ۱۸ تا ۲۹ سال، ۳۰ تا ۳۹ سال، ۴۰ تا ۴۹ و ۵۰ تا ۵۹ سال قرار داشتند. در هر یک از این گروه‌های سنی، بین ۳ تا ۹ نفر از هر یک از دو جنسیت حضور داشتند. به منظور تکرار متغیرها در گفتار تمام گویشوران گروه آزمودنی‌ها، پرسش‌های مشابهی مانند توصیف فصل‌ها، مراسم‌های خاص (عروسی، عزاداری، عیدهای ملی و مذهبی و...) بازی‌ها، غذاها و خاطرات خود، از آن‌ها پرسیده شد.

۴- توصیف و تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری شده در دو بخش متغیرهای واج‌شناختی^۳ و متغیرهای واژگانی^۴ مورد بررسی قرار

1. W.Wolfarm
2. judgmental sampling
3. phonological variables
4. lexical variables

گرفتند.

۴-۱- متغیرهای واج‌شناختی

در هورامی پاره واج [d] دارای دو واجگونه [d] و [d̥] است که اولی در موقعیت آغازین و میانی کلمات قرار می‌گیرد و دومی در جایگاه‌های میانی و پایانی کلمه استفاده می‌شود. واجگونه [d̥] ناسوده، واک‌دار و بین‌دندانی و واجگونه [d] لثوی، انسدادی و واک‌دار است.

بررسی داده‌های زبانی به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که از واجگونه [d̥] در گفتار برخی از گویشوران در موقعیت پایانی کلمه هم استفاده می‌شود که نمونه آن را می‌توان در کلمه «محمد» دید:

- 1) [Moʔamad̥] در هورامی معیار گوش پاره
- 2) [Moʔamad̥] مرد و زن جوان

جدول (۱) فراوانی استفاده از واجگونه [d̥] و واجگونه [d] در جایگاه پایانی کلمه در میان ۶۰ نمونه مورد مطالعه را نشان می‌دهد:

جدول (۱). توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب استفاده از واجگونه‌های [d̥] و [d]

درصد	فراوانی	واجگونه‌ها
٪۷۰	۴۲	[d̥]
٪۳۰	۱۸	[d]
٪۱۰۰	۶۰	مجموع

بررسی داده‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که میزان استفاده از واجگونه [d̥] به‌جای واجگونه [d] در جایگاه پایانی کلمه در میان زنان شایع‌تر از مردان است. همان‌گونه که جدول (۲) نشان می‌دهد تقریباً ۷۳ درصد زنان از واجگونه [d̥] به‌جای واجگونه [d] استفاده می‌کنند؛ درحالی‌که این نسبت در مردان تقریباً ۶۶ درصد است.

جدول (۲). توزیع پاسخ‌گویان براساس استفاده از واجگونه‌های [d̥] و [d] به تفکیک جنسیت

مردان		زنان		واجگونه‌ها
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
٪۶۶٫۷	۲۰	٪۷۳٫۳	۲۲	[d̥]
٪۳۳٫۳	۱۰	٪۲۶٫۷	۸	[d]
۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۳۰	مجموع

در راستای پرسش اول پژوهش و به منظور بررسی دقیق‌تر رابطه بین استفاده از واجگونه‌های فوق و جنسیت، از آزمون خی دو^۱ و شاخص پیوستگی فی^۲ استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره (۳) ارائه شده است. براساس نتایج به دست آمده، شدت پیوستگی بین جنسیت و استفاده از این واجگونه‌ها بسیار ضعیف (۰/۰۷) است و با توجه به مقدار خی دو و سطح معناداری مربوطه (۰/۵۷) به لحاظ آماری معنادار نیست. به عبارت دیگر، توزیع تقاطعی دو متغیر مورد بررسی، مستقل از هم است.

جدول (۳). نتایج آزمون خی دو برای بررسی رابطه استفاده از واجگونه‌های [d] و [d̥] با جنسیت

مقدار خی دو	درجه آزادی	Sig	شاخص فی
۰/۳۱۷	۱	۰/۵۷	۰/۰۷

نتایج

یافته‌های مربوط به متغیر سن نیز در جدول شماره (۴) نشان داده شده‌اند. بررسی توزیع فراوانی جدول (۴) نشان می‌دهد که در همه گروه‌های سنی میزان استفاده از واجگونه [d] در جایگاه پایانی کلمه بیشتر است؛ اما استفاده از آن در میان جوانان شایع‌تر است؛ به طوری که در گروه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال، بیشتر پاسخ‌گویان این پژوهش (۸۱/۸ درصد) از این واجگونه استفاده می‌کنند. همچنین، در بررسی هم‌زمان سن و جنسیت و مقایسه زنان و مردان در این گروه‌های سنی مشخص شد که در کلیه گروه‌های سنی زنان بیش از مردان از واجگونه [d] در جایگاه پایانی کلمه استفاده می‌کنند.

جدول (۴). توزیع فراوانی پاسخ‌گویان براساس استفاده از واجگونه‌های [d] و [d̥] به تفکیک گروه‌های سنی

۲۹-۱۸ سال		۴۹-۴۰ سال		۳۹-۳۰ سال		۵۹-۵۰ سال		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۸/۲	۴	۴۲/۹	۶	۳۶/۴	۴	۳۰/۸	۴	[d]
۸۱/۸	۱۸	۵۷/۱	۸	۶۳/۶	۷	۶۹/۲	۹	[d̥]
۱۰۰	۲۲	۱۰۰	۱۴	۱۰۰	۱۱	۱۰۰	۱۳	مجموع

در ادامه پرسش نخست پژوهش و به منظور بررسی دقیق‌تر رابطه بین استفاده از واجگونه‌های فوق و سن پاسخ‌گویان از آزمون خی دو و شاخص پیوستگی وی کرامرز^۳ استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است. براساس نتایج به دست آمده، شدت پیوستگی بین گروه‌های سنی و استفاده از این واجگونه‌ها ضعیف (۰/۲۱) است و با توجه به مقدار خی دو و سطح معناداری مربوطه (۰/۴۲) به لحاظ آماری معنادار نیست. به عبارت دیگر، توزیع تقاطعی دو متغیر مورد بررسی در نهایت مستقل از هم

1. Chi-Square
2. phi
3. Cramer's V

است.

جدول (۵). نتایج آزمون خی دو برای بررسی رابطه استفاده از واجگونه‌های [d] و [d̥] با سن

مقدار خی دو	درجه آزادی	Sig	شاخص وی کرامرز
۲/۸۷۱	۳	۰/۴۲	۰/۲۱

نتایج

۴-۲- متغیرهای واژگانی

در هورامی پاوه، اسامی زیر به ترتیب به مادربزرگ و پدربزرگ اطلاق می‌گردند:

3) /dada/ مادربزرگ

4) /bawa/ پدربزرگ

بررسی داده‌های زبانی به‌دست‌آمده نشان می‌دهند که در گفتار برخی از گویشوران به‌جای /dada/

از ترکیب کلمه /ada/ (مادر) به‌اضافه اسم کوچک مادربزرگ و به‌جای /bawa/ از کلمه /baba/ (پدر) به‌اضافه اسم کوچک پدربزرگ استفاده می‌شود.

همچنین، در هورامی پاوه واژه /war/ به معنی «خورشید» است؛ اما بررسی داده‌های گردآوری‌شده

نشان داد که برخی از گویشوران به‌جای واژه فوق از واژه /warataw/ استفاده می‌کنند.

5) /war bar aman / هورامی معیار خورشید طلوع کرده است.

۴-۲-۱- بررسی استفاده از ترکیب (اسم کوچک پدربزرگ/مادربزرگ + /baba/ یا /ada/) به‌جای

واژه‌های /bawa/ و /dada/

جدول (۶)، توزیع فراوانی استفاده از واژه‌های /bawa/ و /dada/ و جایگزین‌های آن‌ها (ترکیب اسم

کوچک پدربزرگ/مادربزرگ + /baba/ یا /ada/) را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد. همان‌طور که

داده‌های مربوط به کل نمونه نشان می‌دهد استفاده از ترکیب (اسم کوچک پدربزرگ/مادربزرگ

+ /baba/ یا /ada/) به‌جای واژه‌های /bawa/ و /dada/ در بین نمونه موردبررسی نسبتاً شایع

است؛ به‌طوری‌که در مورد پدربزرگ بیش از نیمی از پاسخ‌گویان (۳/۵۸٪) و در مورد مادربزرگ‌ها حدود

دوسوم پاسخ‌گویان (۳/۶۳٪) از این ترکیب‌ها استفاده می‌کنند. همچنین، مقایسه اطلاعات مربوط به زنان

و مردان نشان می‌دهد که زنان به‌طور واضحی بیشتر از مردان از ساخت ترکیبی به‌جای واژه‌های معیار

/dada/ و /bawa/ استفاده می‌کنند؛ به‌طورمثال، ۳/۷۳ درصد از زنان برای اشاره به مادربزرگ از

ساخت ترکیبی استفاده می‌کنند و این میزان برای مردان ۵۳/۳ درصد است.

جدول (۶). توزیع فراوانی استفاده از واژه‌های /bawa/ و /dada/ و جایگزین‌های آن‌ها به تفکیک جنسیت

ترکیب‌های واژگانی		زنان		مردان		کل نمونه	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
/bawa/		۱۱	۳۶/۷	۱۴	۴۶/۷	۲۵	۴۱/۷
پدربزرگ	ترکیب /baba/ + اسم کوچک	۱۹	۶۳/۳	۱۶	۵۳/۳	۳۵	۵۸/۳
	مجموع	۳۰	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰
/dada/		۸	۲۶/۷	۱۴	۴۶/۷	۲۲	۳۶/۷
مادربزرگ	ترکیب /ada/ + اسم کوچک	۲۲	۷۳/۳	۱۶	۵۳/۳	۳۸	۶۳/۳
	مجموع	۳۰	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰

در راستای پاسخ‌گویی به پرسش دوم پژوهش و به منظور بررسی دقیق‌تر رابطه بین استفاده از ساخت ترکیبی به جای واژه‌های معیار /dada/ و /bawa/ و جنسیت پاسخ‌گویان، از آزمون خی دو و شاخص پیوستگی فی استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول (۷). نتایج آزمون خی دو برای بررسی رابطه استفاده از ترکیب‌های واژگانی با جنسیت

مقدار خی دو	درجه آزادی	Sig	شاخص فی
۰/۶۱۷	۱	۰/۴۳	۰/۱۰
۲/۸۵	۱	۰/۰۳	۰/۲۸

بر اساس نتایج به دست آمده، شدت پیوستگی بین جنسیت و استفاده از ترکیب /baba/ + اسم کوچک برای اشاره به پدربزرگ بسیار ضعیف (۰/۱۰) است و با توجه به مقدار خی دو و سطح معناداری مربوطه (۰/۴۳) به لحاظ آماری معنادار نیست؛ یعنی زنان و مردان پاسخ‌گو کم‌وبیش به یک میزان در مورد پدربزرگ از ساخت ترکیبی فوق استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، توزیع تقاطعی دو متغیر مورد بررسی مستقل از هم است؛ اما در مورد استفاده از ساخت ترکیبی برای ارجاع به مادربزرگ تفاوت‌های واضح‌تری بین زنان و مردان وجود دارد. بر پایه نتایج به دست آمده، شدت پیوستگی بین جنسیت و استفاده از ترکیب /ada/ + اسم کوچک برای اشاره به مادربزرگان در حد متوسط (۰/۲۸) است و با توجه به مقدار خی دو و سطح معناداری مربوطه (۰/۰۳) به لحاظ آماری معنادار است. به این ترتیب، توزیع تقاطعی این دو متغیر مستقل از هم نیست و ارتباط معناداری بین این دو وجود دارد؛ یعنی با توجه به نتایج توصیفی، زنان بیشتر از مردان از زبان غیررسمی (ساخت ترکیبی) برای خطاب کردن مادربزرگ‌های خود استفاده می‌کنند.

جدول (۸) نیز توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب واژه مورد استفاده آن‌ها برای ارجاع به مادر بزرگ به تفکیک گروه‌های سنی را نشان می‌دهد. براساس نتایج به دست آمده، گروه جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال بیشتر از ترکیب / αda / + اسم کوچک برای اشاره به مادر بزرگ خود استفاده می‌کنند و فقط ۱۳/۶ درصد از آن‌ها واژه رسمی / $dada$ / را به کار می‌برند. با بالا رفتن سن، استفاده از ساخت ترکیبی غیررسمی کمتر می‌شود؛ اما به صفر نمی‌رسد و حتی ۳۸/۵ درصد از پاسخ‌گویان گروه سنی ۵۰ تا ۵۹ سال نیز از این ساخت ترکیبی استفاده می‌کنند.

جدول (۸). توزیع فراوانی استفاده از ترکیب / αda / + اسم کوچک به تفکیک گروه‌های سنی و جنسیت

سال ۵۹-۵۰		سال ۴۹-۴۰		سال ۳۹-۳۰		سال ۲۹-۱۸		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴۲/۹	۳	۴۲/۹	۳	۱۶/۷	۱	۱۰	۱	/ $dada$ /
۵۷/۱	۴	۵۷/۱	۴	۸۳/۳	۵	۹۰	۹	ترکیب / αda / + اسم کوچک
۱۰۰	۷	۱۰۰	۷	۱۰۰	۶	۱۰۰	۱۰	مجموع
۸۳/۳	۵	۷۱/۴	۵	۴۰	۲	۱۶/۷	۲	/ $dada$ /
۱۶/۷	۱	۲۸/۶	۲	۶۰	۳	۸۳/۳	۱۰	ترکیب / αda / + اسم کوچک
۱۰۰	۶	۱۰۰	۷	۱۰۰	۵	۱۰۰	۱۲	مجموع
۶۱/۵	۸	۵۷/۱	۸	۲۷/۳	۳	۱۳/۶	۳	/ $dada$ /
۳۸/۵	۵	۴۲/۹	۶	۷۲/۷	۸	۸۶/۴	۱۹	ترکیب / αda / + اسم کوچک
۱۰۰	۱۳	۱۰۰	۱۴	۱۰۰	۱۱	۱۰۰	۲۲	مجموع

نکته قابل توجه در این بین، تفاوت ویژگی‌های زبانی نسل‌ها براساس جنسیت است. اگرچه زنان در همه گروه‌های سنی استفاده از ساخت ترکیبی غیررسمی را ترجیح می‌دهند، برای مردان استفاده از این ساخت ترکیبی آشکارا یک تغییر نسلی محسوب می‌شود. اکثریت (۸۳/۳ درصد) مردان متعلق به گروه سنی ۵۰ تا ۵۹ سال همچنان از واژه رسمی / $dada$ / برای ارجاع به مادر بزرگ استفاده می‌کنند؛ این در حالی است که ۸۳/۳ درصد از مردان جوان، ساخت ترکیبی / αda / + اسم کوچک را به کار می‌برند.

در ادامه پرسش دوم پژوهش و به منظور بررسی دقیق‌تر رابطه بین استفاده از واژه‌های فوق و سن پاسخ‌گویان از آزمون خی دو و شاخص پیوستگی وی کرامرز استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۹) ارائه شده است.

جدول (۹). نتایج آزمون خی دو برای بررسی رابطه استفاده از ترکیب (/ αda / + اسم کوچک) با سن

مقدار خی دو	درجه آزادی	Sig	شاخص وی کرامرز
۱۱/۴۳۳	۳	۰/۰۱	۰/۴۳

نتایج

براساس نتایج به‌دست‌آمده، شدت پیوستگی بین گروه‌های سنی و استفاده از ساخت ترکیبی /ada/ + اسم کوچک، نسبتاً قوی (۰/۴۳) است و با توجه به مقدار خی دو و سطح معناداری مربوطه (۰/۰۱) به لحاظ آماری معنادار است. به عبارت دیگر، توزیع تقاطعی این دو متغیر مستقل از هم نیست و ارتباط معناداری بین این دو وجود دارد؛ یعنی با توجه به نتایج توصیفی، استفاده از زبان غیررسمی (ساخت ترکیبی) برای خطاب قرار دادن مادر بزرگ در میان جوانان شایع‌تر از بزرگسالان است. البته باید توجه داشت که براساس نتایج توصیفی، ارتباط بین سن و استفاده از این واژه بیشتر در میان مردان مشاهده می‌شود و زنان در گروه‌های سنی مختلف در این ارتباط همگون‌تر عمل می‌کنند.

بررسی داده‌های جدول (۱۰) نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی استفاده از ساخت ترکیبی به‌جای واژه /bawa/ در گروه‌های سنی ۱۸ تا ۲۹ سال (۸۶/۴ درصد) و ۳۰ تا ۳۹ سال (۷۲/۷ درصد) دیده می‌شود. بررسی هم‌زمان دو عامل سن و جنسیت نیز در جدول (۱۰) نشان می‌دهد که ۹۰ درصد زنان گروه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال از ساخت ترکیبی به‌جای واژه /bawa/ استفاده می‌کنند؛ در حالی که این میزان در مردان همین گروه ۸۳/۳ درصد است. کمترین میزان استفاده از ساخت ترکیبی هم به گروه سنی ۵۰ تا ۵۹ سال مربوط می‌شود که ۲۸/۶ درصد زنان و ۱۶/۷ درصد مردان این گروه از ساخت ترکیبی به‌جای واژه /bawa/ استفاده می‌کنند. در گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ سال فراوانی استفاده زنان و مردان از ساخت ترکیبی باهم برابر است (۵۷/۱ درصد).

جدول (۱۰). توزیع فراوانی استفاده از ترکیب /baba/ + اسم کوچک به تفکیک گروه‌های سنی و جنسیت

		سال ۲۹-۱۸		سال ۳۹-۳۰		سال ۴۹-۴۰		سال ۵۹-۵۰	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
زنان	/ bawa /	۱۰	۱	۱۶/۷	۱	۵۷/۱	۴	۵	۷۱/۴
	ترکیب / baba / + اسم کوچک	۹۰	۹	۸۳/۳	۵	۴۲/۹	۳	۲	۲۸/۶
	مجموع	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۶	۱۰۰	۷	۷	۱۰۰
مردان	/ bawa /	۱۶/۷	۲	۴۰	۲	۵۷/۱	۵	۵	۸۳/۳
	ترکیب / baba / + اسم کوچک	۸۳/۳	۱۰	۶۰	۳	۴۲/۹	۲	۱	۱۶/۷
	مجموع	۱۰۰	۱۲	۱۰۰	۵	۱۰۰	۷	۶	۱۰۰
کل نمونه	/ bawa /	۱۳/۶	۳	۲۷/۳	۳	۶۴/۳	۹	۱۰	۷۶/۹
	ترکیب / baba / + اسم کوچک	۸۶/۴	۱۹	۷۲/۷	۸	۳۵/۷	۵	۳	۲۳/۱
	مجموع	۱۰۰	۲۱	۱۰۰	۱۱	۱۰۰	۱۴	۱۳	۱۰۰

به منظور بررسی دقیق تر رابطه بین استفاده از واژه‌های فوق و سن و جنسیت پاسخ‌گویان از آزمون خی دو و شاخص پیوستگی وی کرامر استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۱۱) ارائه شده است.

جدول (۱۱). نتایج آزمون خی دو برای بررسی رابطه استفاده از ترکیب (/baba/ + اسم کوچک) با سن

مقدار خی دو	درجه آزادی	Sig	شاخص وی کرامر
۱۷/۶۴۵	۳	۰/۰۰۱	۰/۵۴

براساس نتایج به‌دست‌آمده، شدت پیوستگی بین گروه‌های سنی و استفاده از ساخت ترکیبی /baba/ + اسم کوچک، نسبتاً قوی (۰/۵۴) است و باتوجه به مقدار خی دو و سطح معناداری مربوطه (۰/۰۰۱) به لحاظ آماری معنادار است. به عبارت دیگر، توزیع تقاطعی این دو متغیر مستقل از هم نیست و ارتباط معناداری بین این دو وجود دارد؛ یعنی باتوجه به نتایج توصیفی، استفاده از ساخت ترکیبی برای خطاب قراردادن پدربزرگ در میان جوانان شایع تر از بزرگسالان است. البته باید توجه داشت که براساس نتایج توصیفی، برخلاف مورد قبلی، بین الگوی پراکنش زنان و مردان تفاوت چشمگیری مشاهده نمی‌شود؛ یعنی رابطه به‌دست‌آمده بین سن و استفاده از ساخت ترکیبی به کل نمونه مربوط می‌شود.

۴-۲-۲- استفاده از واژه /waratow/ به جای واژه /war/

بررسی داده‌های گردآوری شده از گروه اصلی و مقایسه آن با داده‌های گروه معیار نشان می‌دهد که برخی از گویشوران گروه اصلی از واژه /waratow/ به جای واژه /war/ استفاده می‌کنند. این موضوع می‌تواند ناشی از تأثیر گویش سورانی بر گویشوران زبان هورامی باشد یا اینکه دلایل دیگری داشته باشد که به هر حال موضوع بحث این پژوهش نیست.

جدول (۱۲) فراوانی استفاده از واژه /waratow/ را نسبت به واژه معیار /war/ به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد. داده‌های موجود در این جدول نشان می‌دهد که کمی بیشتر از یک‌سوم نمونه‌های شرکت‌کننده در این پژوهش از واژه /waratow/ به جای واژه /war/ استفاده می‌کنند. بررسی داده‌های موجود در این جدول نشان می‌دهد که جنسیت یکی از عوامل تأثیرگذار بر فراوانی استفاده از واژه /waratow/ است؛ به طوری که ۶۰ درصد مردان شرکت‌کننده در این پژوهش از این واژه به جای واژه /war/ استفاده می‌کنند؛ اما این مقدار در مورد زنان تنها ۱۳/۳ درصد است.

جدول (۱۲). توزیع پاسخ‌گویان براساس استفاده از واژه /waratɔw/ به تفکیک جنسیت

واژه مورد استفاده	زنان		مردان		کل نمونه	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
/war/	۲۶	۸۶٫۷	۱۲	۴۰	۳۸	۶۳٫۳
/waratɔw/	۴	۱۳٫۳	۱۸	۶۰	۲۲	۳۶٫۷
مجموع	۳۰	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۶۰	۱۰۰

در جدول (۱۳)، نتایج حاصل از آزمون خی دو و شاخص وی کرامرز برای بررسی رابطه استفاده از واژه /waratɔw/ با جنسیت نیز نشان می‌دهد که باتوجه به مقدار خی دو (۰٫۴۸)، ارتباط بین این دو معنادار بوده و شدت این ارتباط نیز نسبتاً قوی است. به عبارت دیگر، توزیع تقاطعی این دو متغیر مستقل از هم نیست و ارتباط معناداری بین این دو وجود دارد؛ یعنی باتوجه به نتایج توصیفی، مردان بیشتر از زنان از واژه /waratɔw/ استفاده می‌نمایند.

جدول (۱۳). نتایج آزمون خی دو برای بررسی رابطه استفاده از واژه /waratɔw/ با جنسیت

نتایج	مقدار خی دو	درجه آزادی	Sig	شاخص فی
	۱۴/۰۶	۱	۰/۰۰	۰/۴۸

جدول (۱۴) هم فراوانی استفاده از واژه /waratɔw/ را در مقابل واژه معیار /war/ براساس دو عامل غیرزبانی جنسیت و سن نشان می‌دهد. بررسی داده‌های این جدول نشان می‌دهند که بالاترین میزان استفاده از واژه /waratɔw/ در مردان گروه سنی ۵۰ تا ۵۹ سال (۸۳٫۳ درصد) دیده می‌شود؛ درحالی که این مقدار برای زنان این گروه صفر است. جایگاه دوّم و سوم در استفاده از واژه /waratɔw/ به ترتیب به مردان گروه ۱۸ تا ۲۹ سال با ۵۸٫۳ درصد و مردان گروه ۴۰ تا ۴۹ سال با ۵۷٫۱ درصد تعلق دارد؛ ولی این مقدار برای زنان این گروه‌ها به ترتیب ۱۰ و ۱۴ درصد است. در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال نیز مردان بیشتر از زنان از واژه /waratɔw/ استفاده می‌کنند (۴۰ درصد در مقابل ۳۳٫۳ درصد).

جدول (۱۴). توزیع فراوانی استفاده از واژه /waratɔw/ به تفکیک گروه‌های سنی و جنسیت

	سال ۲۹-۱۸		سال ۳۹-۳۰		سال ۴۹-۴۰		سال ۵۹-۵۰	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
/war/	۹	۹۰	۴	۶۶٫۷	۶	۸۵٫۷	۷	۱۰۰
/waratɔw/	۱	۱۰	۲	۳۳٫۳	۱	۱۴٫۳	۰	۰
مجموع	۱۰	۱۰۰	۶	۱۰۰	۷	۱۰۰	۷	۱۰۰

ادامه جدول (۱۴). توزیع فراوانی استفاده از واژه /waratɔw/ به تفکیک گروه‌های سنی و جنسیت

		سال ۵۹-۵۰		سال ۴۹-۴۰		سال ۳۹-۳۰		سال ۲۹-۱۸	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مردان	/war/	۱	۴۲/۹	۳	۶۰	۳	۴۱/۷	۵	۱۶/۷
	/waratɔw/	۵	۵۷/۱	۴	۴۰	۲	۵۸/۳	۷	۸۳/۳
	مجموع	۶	۱۰۰	۷	۱۰۰	۵	۱۰۰	۱۲	۱۰۰
کل نمونه	/war/	۸	۶۴/۳	۹	۶۳/۶	۷	۶۳/۶	۱۴	۶۱/۵
	/waratɔw/	۵	۳۵/۷	۵	۳۶/۴	۴	۳۶/۴	۸	۳۸/۵
	مجموع	۱۳	۱۰۰	۱۴	۱۰۰	۱۱	۱۰۰	۲۲	۱۰۰

در جدول (۱۵)، نتایج حاصل از آزمون خی دو و شاخص وی کرامرز برای بررسی رابطه استفاده از واژه /waratɔw/ با سن نیز نشان می‌دهد که باتوجه به مقدار خی دو (۰,۰۲) ارتباط بین این دو چه در بین زنان، چه در بین مردان و چه در کل نمونه، معنادار نبوده و مقدار نزدیک به صفر شاخص این عدم ارتباط را به خوبی نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر، توزیع تقاطعی این دو متغیر (سن و استفاده از واژه /waratɔw/) مستقل از هم است.

جدول (۱۵). نتایج آزمون خی دو برای بررسی رابطه استفاده از واژه /waratɔw/ با سن

مقدار خی دو	درجه آزادی	Sig	شاخص وی کرامرز
۰/۲۵	۳	۰/۹۹	۰/۰۲

نتایج

۵- بحث و نتیجه‌گیری

پس از بررسی و مقایسه داده‌های گردآوری شده در هورامی پاره در دو گروه معیار و اصلی که از طریق مصاحبه گردآوری شده بود، در نهایت، سه متغیر (یک متغیر واجی) و (دو متغیر واژگانی) که دارای بیشترین فراوانی در مقایسه گروه معیار و گروه اصلی بودند برای توصیف در این مقاله انتخاب شدند. پس از بررسی رابطه بین متغیرهای جنسیت و سن با میزان استفاده از واجگونه [d] در جایگاه پایانی کلمه، مشاهده شد که جنسیت در تمایز گفتار گویشوران گروه‌های سنی نقش مؤثری ندارد و رابطه معناداری بین جنسیت و میزان استفاده از واجگونه [d] در جایگاه پایانی کلمه وجود ندارد ($\phi = 0.07$). بررسی این داده‌ها همچنین نشان داد که بین سن و میزان استفاده از واجگونه [d] در جایگاه پایانی کلمات رابطه معناداری وجود ندارد ($\text{Cramer's } V = 0.21$)؛ بنابراین، یافته‌های پژوهش فرضیه اول تحقیق را به طور کامل رد می‌کند.

بررسی تأثیر جنسیت بر میزان استفاده از متغیرهای واژگانی در گفتار گویشوران هورامی هم نشان داد که در میزان استفاده از ساخت مرکب به جای واژه معیار /bawa/ تفاوت معناداری بین زنان و مردان وجود ندارد ($\phi = 0.10$)؛ اما زنان بیش از مردان از ساخت مرکب برای خطاب قرار دادن مادر بزرگ‌هایشان به جای واژه معیار /dada/ استفاده می‌نمایند ($\phi = 0.28$)؛ بنابراین، بخشی از فرضیه دوم پژوهش که معتقد بود زنان بیش از مردان از ساخت ترکیبی استفاده می‌کنند در مورد واژه /dada/ تأیید اما در مورد واژه /bawa/ رد می‌شود.

بررسی داده‌ها در مورد تأثیر جنسیت بر میزان استفاده از واژه غیر معیار /warataw/ به جای واژه معیار /war/ نیز نشان داد که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود دارد ($\phi = 0.48$) و مردان بیشتر از زنان از شکل غیر معیار استفاده نموده‌اند؛ بنابراین، بخشی از فرضیه سوم پژوهش که معتقد بود زنان بیش از مردان از شکل معیار استفاده می‌کنند، تأیید می‌گردد.

در نهایت، بررسی تأثیر عامل سن بر متغیرهای واژگانی نشان داد که در یکی از عامل‌ها (استفاده از ساخت ترکیبی به جای واژه‌های معیار /bawa/ و /daða/) بین متغیر سن و استفاده از ساخت ترکیبی ارتباط معناداری وجود دارد؛ به طوری که مقدار شاخص کرامر برای استفاده از ساخت مرکب به جای واژه /bawa/ برابر با ۰٫۵۴ و برای استفاده از ساخت مرکب به جای واژه /daða/ برابر با ۰٫۴۸ است و با افزایش سن استفاده از واژه‌های غیر معیار کاهش می‌یابد که این یافته‌ها بخش مربوط به رابطه سن و متغیر واژگانی مطرح شده در فرضیه دوم را تأیید می‌نماید؛ اما در متغیر دیگر (استفاده از واژه /warataw/ به جای واژه /war/) ارتباط معناداری بین سن و میزان استفاده از واژه غیر معیار وجود ندارد ($\text{Cramer's } \nu = 0.02$). بنابراین، بخشی از فرضیه سوم که معتقد بود با افزایش سن میزان استفاده از واژه معیار /war/ افزایش می‌یابد، رد می‌شود.

منابع

- آهنگر، عباسعلی؛ شاهسوار، محبوبه (۱۳۸۸). بررسی متغیرهای اجتماعی-زبانی فارسی در گویش نهبندانی: همخوان‌ها. *زبان و زبان‌شناسی*، ۵ (۱۰)، ۷۱-۱۱۴.
- آهنگر، عباسعلی؛ شاهسوار، محبوبه (۱۳۹۳). تأثیر متغیرهای اجتماعی بر کاربرد متغیرهای زبانی فارسی در نهبندان. *زبان پژوهی*، ۶ (۱۳)، ۷-۴۴.
- رضاپور، ابراهیم (۱۳۹۶). تعامل نحو و زبان‌شناسی اجتماعی: تحلیلی جامعه‌شناختی بر کاربرد چند ساخت

- نحوی فارسی براساس نظریه تنوعات زبانی لباو. *زبان پژوهی*، ۹ (۲۲)، ۷۷-۱۰۵.
- زندى، بهمن؛ نصیری، پرویز؛ رادنیری، ابراهیم (۱۳۹۴). بررسی پدیده دوزبانگی در سطح شهر اردبیل از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۷ (۱۳)، ۸۹-۱۰۷.
- سمائی‌نیا، فهیمه. (۱۳۸۴). *بررسی پاره‌ای تغییرات اجتماعی و جغرافیایی زبان فارسی در سبزوار بر پایه نظریه ویلیام لباو*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

Reference

- Ahangar, A. & Shahsavar, M. (2009). A study of sociolinguistic variables of Persian in Nehbandani Dialect: Consonants. *Language and Linguistics*, 5 (10), 71-114 (In Persian).
- Ahangar, A. & Shahsavar, M. (2019). The effect of social variables on vowel variations of sociolects of Persian in Nehbandan. *Language Studies*, 6 (13), 7- 44 (In Persian).
- Bailey, G. (2002). Real and apparent time. In J.K. Chambers, P. Trudgill, & N. Schilling-Estes (Eds.), *The Handbook of Language Variation and Change* (pp. 312-332). U.K: Wiley
- Boberg, Ch. (2004). Ethnic patterns in the phonetics of Montreal English. *Journal of Sociolinguistics*, 8 (4), 538-568.
- Eckert, P. (2000). *Linguistic variation as social practice*. Massachusetts and Oxford, U.K.: Blackwell.
- Fishman, J.A. (1969). National languages and languages of wider communication in the developing nations. *Anthropological Linguistics*, 11 (4), 111-135.
- Fishman, J.A. (1972). The sociology of language. In P.P. Giglioli (Ed.), *Language and Social Context* (pp. 45-58). Harmondsworth: Penguin.
- Fukushima, S. (2003). *Requests and culture*. Germany: Peter Lang.
- Herzog, M. (1964). *The Yiddish language in Northern Poland: Its geography and history*. Ph.D. Dissertation in linguistics, Columbia University.
- Hudson, R. A. (1996). *Sociolinguistics* (2nd ed.). New York: Cambridge University Press.
- Labov, W. (1963). The social motivation of a sound change. *Word*, 19 (3), 273-309.
- Labov, W. (1966). *The social stratification of English in New York City*. Washington: Center for Applied Linguistics.
- Labov, W. (1972). *Sociolinguistic patterns*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Labov, W., Ash, Sh., & Boberg, Ch. (2006). *The Atlas of North American English: Phonetics, phonology and sound change. A multimedia reference tool*. Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
- Modaressi, Y. (1978). *A sociolinguistic investigation of Modern Persian*. Ph.D. Dissertation in linguistics, University of Kansas.
- Rezapour, E. (2017). Interaction of syntax and sociolinguistics: A social study of some Persian syntactic structures based on Labov's theory. *Language Studies*, 9 (22), 77-105 (In Persian).
- Sama'eneya, S. (2005) *The study of some social and geographical changes of Persian in Sabzevar based on Labov's theory*. M.A. Dissertation in linguistics, University of Sistan and Baluchestan (In Persian).

- Schilling-Estes, N. (2004). Constructing ethnicity in interaction. *Journal of Sociolinguistics*, 8 (2), 163-195.
- Tagliamonte, S.A. (2016). *Teen talk. The language of adolescents*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wardhaugh, R. (1986). *An introduction to sociolinguistics*. U.k: Blackwell publications.
- Wolfram, W. (2006). Variation and language. In K. Brown (Ed.), *Elsevier Encyclopedia of Language and Linguistics* (pp. 333-341). Oxford: Elsevier.
- Zandi, B., Nasiri, P., & Radniri, E. (2015) A sociolinguistic study of diglossia in Ardabil. *Linguistics and Khorasan dialects*, 7 (13), 89- 107 (In Persian).